

پژوهشگر بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی از تاریخچه زیارت پیاده در آیین مسیحیت می‌گوید

از «پیاده‌روی عبادی» تاراهپیمایی در «هفته‌مقدس»

۲

مؤسسه فرهنگی قدس برگزار می‌کند

سوگواره ملی عکس «مسیر رضا (علیه‌السلام)»

دبیرخانه سوگواره ملی عکس «مسیر رضا(ع)» با انتشار متن فراخوان این سوگواره، فعالیت خود را از ۲۱ مرداد آغاز کرد.

وحید بیات، دبیر سوگواره ملی عکس مسیر رضا (ع) در گفت‌وگو با آستان‌نیوز گفت: مؤسسه فرهنگی قدس برای بزرگداشت پیاده‌روی زائران امام رضا(ع) در دهه آخر صفر به سمت مشهد مقدس و گسترش فرهنگ رضوی، سوگواره ملی عکس «مسیر رضا(ع)» را در محورهای «همه خادم الرضایییم»، «زائران پیاده» و «زائران کوچک» برگزار می‌کند.

وی با اشاره به اهدای جوایز ۳، ۴ و ۵ میلیون تومانی در بخش حرفه‌ای و ۲،۱ و ۳ میلیون تومانی در بخش موبایلی گفت: ...

...

منبرمجازی

هنر سیدالشهدا (علیه‌السلام)



حجت‌الاسلام حامد کاشانی|

سیدالشهدا(ع) یک ویژگی بسیار حیرت‌انگیزی دارند... معمولاً مدارس ویژه که رتبه‌های کنکور خوب می‌دهند، چند نوبت آزمون می‌گیرند و رده‌بندی می‌کنند و از بین نخبگان دو نفر را گلچین می‌کنند و از بین آن‌ها افرادی موفق می‌شوند. حالا این هم یک نوع موفقیت است. اما من جایی ندیدم که بگویند شکسته بسته‌ها، آن‌هایی که دارالتأدیب بودند، آن‌هایی که تحت تربیت کسی نبودند را هم بیاورید و رتبه ۱ و ۲ تحویل بگیرید. این هنر، هنر سیدالشهداست، در میان اصحاب حضرت برخی از رفیقان قدیمی هستند. بالاخره ۴۰-۳۰ سال سر سفره اهل بیت(ع) بودند. اما بعضی‌ها هستند که روز عاشورا آمدند، دو شب قبل آمدند، ۱۰ شب قبل آمدند و رشد حیرت‌انگیزی کردند. این برای عزیزیانی که در شروع محرم می‌خواهند به خیمه سیدالشهدا(ع) بروند یا خانه خودشان را با یک پرچم عزا خیمه سیدالشهدا(ع) قرار دهند، یک بشارت است. این حسینی که می‌خواهیم راجع به او صحبت کنیم، همان است که در عرض ۴۵- روز یک عالم مخالف را تبدیل به عارف‌ترین فرد تاریخ می‌کند. یعنی امام حسین(ع) برای اینکه ما را سیر دهد، رشد دهد، خیلی زمان نیاز ندارد. یک لیبیک حقیقی از ما می‌خواهد... محرم و صفر فصل پرواز است، ولی نه فقط پرواز خوبان. هنر آقای ما این است که از فرعون‌ها هم بلد است انسان شایسته بسازد. ببینید اگر برای حضرت موسی(ع) امکان هدایت نبود فَقُولَا نمی‌فرمود: «إِذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ / فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيًّا» بروید یا او نرم حرف بزنید شاید فرعون را هم برگردانید. این سیدالشهدا(ع) مظهر رحمت آن خداست. لذا شما می‌بینید در کربلا عمر سعد را هم دعوت می‌کند. شمر را هم دعوت می‌کند و به عنوان امام هدایت عرضه هدایت دارد، توان هدایت دارد، گزاف نمی‌گوید، منتها یک نکته بسیار مهم آن هم این است که این گونه نیست که سیدالشهدا(ع) بخواهد بی‌شایستگی کل ۳۰هزار نفر را با یک نگاه جابه‌جا کند... او می‌تواند یک آدمی مثل زهیر را در ۱۵ روز تبدیل کند به شخصیتی که یک جمله عرفانی گفته، تاریخ مثل آن را ندیده است... وقتی امام حسین(ع) غریب شد، تنها شد... فرمود می‌بینید اوضاع چگونه شده است... دنیا به ما پشت کرده است... دیگر چیزی از دنیا باقی نمانده جز مثلاً یک جرعه‌ای، کار تمام است... زهیر برخاست و آن جمله معروفش را گفت: سخنان زیبایی تو را شنیدیم، خدا ما به برکت تو ای پسر پیغمبر هدایت کند... .



...

گزارش قدس درباره فعالیت‌های درمانی آستان قدس در مرز مهران از جراحی تا دندانپزشکی خدمت جهادی بیمارستان سیار رضوی به زائران اربعین

نیروهای تیمی هم که اینجا حاضرند، زیر نظر سازمان اورژانس کشور به صورت کشیکی به زائران خدمات درمانی ارائه می‌دهند.

■ یک ایده خوب

یکی از زائران که همراه بیمارش به بیمارستان مراجعه کرده است می‌گوید: وجود این بیمارستان در این منطقه ضروری و ایده خوبی است. مادرم از صبح فشارش بالا رفت و با مراجعه به این بیمارستان و ارائه خدمات، اکنون حالش بهتر است، گرچه کادر درمان اعلام کرده‌اند که مادرم چند ساعتی باید اینجا استراحت کند تا زیر نظر خدمات پزشکی و پرستاری باشد اما اکنون که حالش بهتر است نگرانی من و خانواده‌ام نیز رفع شده است.

یکی دیگر از زائران که منتظر است مایع سرمی که به دست فرزندش وصل شده تمام شود نسبت

هستند که از سوی بنیاد کرامت رضوی آستان قدس در مرز مهران مستقر شده‌اند. محمد تحقیقی عباسی، سرپرست بیمارستان سیار رضوی بنیاد کرامت می‌گوید: از ۱۴ شهریور به اینجا آمده‌ایم و تا پایان شهریور ماه نیز برای ارائه خدمات درمانی و اورژانسی در خدمت زائران محترم هستیم. سال‌های گذشته و دوران پیش از کرونا، متولی این بیمارستان سیار بیمارستان فوق تخصصی رضوی بوده و امسال مسئولیت این بخش به بنیاد کرامت رضوی داده شده است.

او درباره امکانات و نیروهایی که در این بیمارستان وجود دارد می‌گوید: سه دستگاه اتوبوس همراه با تجهیزات، اورژانس همراه با پزشکان و پرستاران فوریت‌های پزشکی مشهد و دو دندانپزشک همراه ما هستند و ارائه خدمات درمانی اورژانسی به صورت ۲۴ساعته است.



بنیاد کرامت رضوی فعالیت‌های مختلفی دارد که فعالیت جهادی در بخش سلامت یکی از آن‌هاست. این بیمارستان‌های سیار هم در همین راستا و با هدف پشتیبانی از خدمات درمانی به صورت اورژانسی به زائران خدمات ارائه می‌کنند.

■ باز هم گرما

«وقتی هوا گرم‌تر بود، روزانه به ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر از زائران خدمت درمانی و اورژانسی ارائه می‌کردیم» این جمله بخشی از صحبت‌های یکی از خادمایاران سلامت در این بیمارستان است. او اضافه می‌کند: هوا که گرم می‌شود زائران عمدتاً دچار افت فشار و گرمازدگی می‌شوند و برای بهبود حال خود به بیمارستان سیار مراجعه می‌کنند.

یکی از نیروهای فوریت پزشکی که از مشهد همراه با این تیم به مرز مهران آمده است می‌گوید: بنیاد کرامت رضوی فعالیت‌های مختلفی دارد که فعالیت جهادی در بخش سلامت یکی از آن‌هاست.

این بیمارستان‌های سیار هم در همین راستا و با هدف پشتیبانی از خدمات درمانی به صورت اورژانسی به زائران خدمات ارائه می‌کنند. اگر زائران نیاز به درمان فوری و دریافت خدمات پرستاری و... داشته باشند توسط نیروهای فوریت پزشکی ویزیت شده و مورد درمان اورژانسی قرار می‌گیرند.

مهدیه قمری| در آخرین

روزهایی که قصد می‌کنی به بزرگ‌ترین راهپیمایی جهان بروی، درست در آخرین دقایق که به نظر می‌رسد

همه چیز دست به دست هم داده تا امسال هم مانند سال‌های گذشته نتوانی به راهپیمایی بزرگ اربعین بروی. شرایط مهیا می‌شود و می‌فهمی اتفاقاً همه چیز دست به دست هم داده تا تو به آرزویت برسی.

حالت قابل توصیف نیست... خوشحالی که برای نخستین بار به پیاده‌روی اربعین می‌روی و این حال خوش، اشک می‌شود و در چشمانت حلقه می‌زند. از خود می‌پرسی: «آیا من طلبیده شده‌ام؟»، به سراغ وسایلت می‌روی تا آنچه را که لازم داری با خود برداری، زمان زیادی نداری تا خود را به اتوبوس برسانی و به سوی مرز مهران حرکت کنی، هر آنچه فکر می‌کنی لازم است در کوله می‌گذاری.

■ آغاز یک رؤیای شیرین

انگار یک رؤیای شیرین به واقعیت پیوسته است. در مسیر رسیدن به اتوبوس به این فکر می‌کنم که فرصت خوبی است از دوست و آشنا خداحافظی کنم، اما زمانم کم است، بنابراین از مسیر عکسی می‌گیرم و به عنوان استوری در صفحهام می‌گذارم و از همه آن‌ها طلب حلالیت می‌کنم.

هر چند هنوز باورم نشده به سفری می‌روم که تعداد زیادی از مردم یا در سال‌های گذشته آن را تجربه کرده‌اند یا امسال زائر اباعبدالله(ع) شده‌اند و خیلی هم البته هنوز آرزویش را دارند. به استوری‌ام که نگاه می‌کنم، می‌بینم دوستانم با حالتی آمیخته با اشک و شادی همراهی‌ام کرده‌اند، از من می‌خواهند در این سفر معنوی یادشان کنم.

بغض گلویم را می‌فشارد می‌خواهم گریه کنم، هنوز به کربلا نرسیده‌ام دلم برای زیارت حرم اباعبدالله(ع) تنگ شده است.

■ مدافعان سلامت در خدمت زائران

آقای راننده، اتوبوس، مسافران و... همه و همه خسته هستیم. ساعت‌ها و کیلومترها را کوبیده و خودمان را رسانده‌ایم به مهران. اتوبوس ساعتی است که در صفی طولانی ایستاده، راننده منتظر است تا از این صف خارج شده و در جایی مناسب پارک کند تا زائران پیاده شوند.

هوا گرم است ولی گویا چند روز پیش گرمای هوا بیشتر بوده. این را وقتی از اتوبوس پیاده شدم از یکی از مسئولانی که در مسیر ایستاده و خودروها را راهنمایی می‌کند که جلوتر بروند و در مکان مناسبی پارک کنند می‌شنوم.

پس از پیاده شدن چشمم به چهار دستگاه اتوبوس، یکی دو دستگاه خودرو آمبولانس اورژانس و چند موتورسیکلت می‌افتد، روی یکی از اتوبوس‌ها نوشته شده «دندانپزشکی»، روی اتوبوس دیگر عنوان «خدمات پرستاری» درج شده، جلوتر که می‌روم متوجه می‌شوم این اتوبوس‌ها در واقع بیمارستان سیار رضوی



ویژه فرهنگ و معارف رضوی

| سال دوم | ویژه نامه ۲۳۲ |

پیا‌ده‌روی اربعین از محبت و معرفت سرچشمه می‌گیرد

تکاهی به زندگی شکفت اتکیز یار باوفا‌ی امیر مؤمنان (علیه‌السلام) در ایام شهادت او

تجلی عشق حقیقی در سیمای «اویس قرنی»

جزئیاتی از دومین سوگواره بین‌المللی «ملت امام حسین (علیه‌السلام)»

پدیده اربعین معجزه جاذبه ثارالله است

...

نذر ارباب

ای عشق همه بهانه از توست



رقیه توسلی| از مردمک چشم او دارم می‌روم کربلا. به

ساعت چهارونیم بعدازظهر ایران. همه حواس من و دو دوست دیگر، پیش اوست. پیش رفیقی که یک روز هم نمی‌شود برگشته از سفر. از عراق. از بهشت. از بین‌الرحمین. شور و ذوق دارم و دلم می‌خواهد کنارش بنشینم که نمی‌شود. چیزی شبیه به سرما و کرونا با خودش آورده و مشکوک است. از دست و صورت آفتاب سوخته‌اش که بگذرم، پیداست نور خیلی به قلبش تابیده. جوری با عشق حرف می‌زند که پلک‌ها را می‌بندم. نمی‌شود فقط به‌مانم خانه‌اش. باید بروم. یک یاعلی بگویم و راهی شوم. بروم پاسپورت به دست سمت مرز. جایی که این روزها همه هروله می‌کنند طرفش. «معصومه»-جان تعریف می‌کند و من خاطراتش را مجسم می‌کنم. انگار می‌کنم خودمم. وای از این انگار. چقدر انگارش شهد و نبات است. از مشابهی می‌گوید برای ما کربلا نرفته‌ها... از آقایی که کودک خردسالش را گذاشته بود روی شانه و عمود به عمود پد‌ری می‌کرد... از عرب چغیه به سری که گلاب اسپری می‌کرد سمت جمعیت با شلنگ... از رزمنده الحشدالشعبی با دو پای مصنوعی که رطب نخلستان خودش را آورده بودو بغضش تمامی نداشت... از یاد سوزان که هی می‌پیچید میان موکب‌ها و چادرها

و علم‌ها، جوری که نمی‌شد قلت را از جا نکند و با خودش نبرد توی تاریخ. سروقت کاروان آسرا، سروقت مصائب قوم بنی‌هاشم، پاپوس عمه سادات، رقیه خاتون، نیزه‌ها، رأس‌های مقدس... می‌گوید از نوجوان عراقی که همپای پدر و پدربزرگش آب معدنی می‌داد دست زوار و می‌گفت: تفضل سیدی تفضلی سیدی... از چای شیرین عراقی... از گروه تواسیح دشدانشه‌پوش... از خادمان کم‌سن و سال پاکستانی... از قیمه‌پلوی ایرانی و سینی‌های بابرکت انگور یاقوتی و هندوانه... از دسته‌ای بانوی مسن که عما‌زنان می‌رفتند و سلام‌های گریان می‌دادند به آقا اباعبدالله... از نمازهایی که طعمش هیچ کجای عالم پیدا نمی‌شود. چشم‌هایم را باز می‌کنم. معصومه‌جان دارد مُهر و تسبیح، سوغات می‌دهد. تسبیحش سرخ است. سرخ عین دل کربلا رفته‌اش و عین دل نرفته ما. نمی‌دانم چه شده اما توی سَرم مداحی عربی می‌خواند، روی زغال‌های گداخته آقایی اسپند می‌پاشد، عمودها را می‌بینم، چادر سیاهم خاکی می‌شود و دارم به زائران بی‌کفش سلام می‌کنم. نمی‌دانم چه شده اما حال کسی را دارم که یک قدم به کربلا نزدیک شده و می‌داند آقا امام حسین(ع) آن قدر مهربان و باعنایت است که میهمان خوب و بد سوا نمی‌کند و حتماً روزی که رزقم باشد اجابت می‌شوم.